

# آزار کلامی

## چگونه کودک را از آن در امان بداریم

شناخت و پیشگیری

اما جر تونی

ترجمه نیوشا صدر



چترنگ

## فهرست

۹	مقدمه مترجم
۱۱	دیباچه
۱۵	فصل ۱: آزار کلامی چیست؟
۲۱	فصل ۲: شرح حال یک آزارگر
	عوامل خطرآفرین در ارتکاب آزار کلامی
۲۵	فصل ۳: کودکان حین آزار کلامی
	هشداردهنده‌ها و نشانه‌های آزار کلامی در کودکان
	تصویر منفی از خویشتن
	رفتارهای غیراجتماعی
	تأخیر در رشد
	رفتارهای خودویرانگرانه
۳۱	فصل ۴: راهبردهای مورد استفاده کودکان آسیب‌دیده در مدارا با آزار کلامی
۳۵	فصل ۵: کودکی که با آزار کلامی سازگار شده است
	الگوهای فکری و رفتاری
	نظام‌های باور

## فصل ۱

### آزار کلامی چیست؟

تعریف آزار کلامی کار ساده‌ای نیست. هرکس می‌تواند به طور بالقوه معنای متفاوتی را با توجه به ذخیره دانش و تجربیات شخصی‌اش از آن استنتاج کند. فرهنگ‌ها در سراسر جهان در ارزش‌ها، فهم و باورهایشان درباره شیوه شایسته سخن گفتن متفاوت‌اند. به هر حال تنوع فرهنگی نمی‌تواند از هیچ‌کس در برابر آسیب‌های روان‌شناختی محافظت کند. به عنوان یک انسان مرزها و محدوده‌های مشخصی برای آنچه مغز ما بدون آسیب دیدن قادر به پردازش آن است، وجود دارد. تعریف و توضیح قاطع آزار کلامی از این مرزها و محدوده‌ها نشئت گرفته است که بخشی از وجوه مشترک انسانی میان همهٔ اینای بشر است و در برابر فرهنگ قد علم می‌کند و آن را به چالش می‌کشد.

مرز باریکی میان آزار کلامی و سخن عادی وجود دارد که باید آن را بازشناسی کرد. در بسیاری از جوامع، سخن گفتن سختگیرانه با کودک یا حتی بالا بردن صدا در مواجهه با او شکلی پذیرفته‌شده از تأدیب است. صداهای بلند ممکن است برای وارد کردن شوک و به قصد آموختن تمام‌وکمال چیزی به کودک به کار گرفته شوند یا برای تنبیه کودک به خاطر رفتاری نامطلوب. در هر صورت، لحن و محتوای پیام‌هایی که به کودکان منتقل می‌شود دارای تأثیرات عاطفی است و پیش از بیان هرچیز باید آن را سنجید.

آزار کلامی را به یک گونه یا شیوه نمی‌توان توصیف یا تعریف کرد. روش‌های فراوانی برای سخن گفتن هست که می‌تواند در زیرمجموعهٔ آزار کلامی طبقه‌بندی شود. برخی

از نمونه‌های آن صدا زدن با القاب تحقیرآمیز، ناسزا گفتن، سرکوفت زدن یا تحقیر است. بچه‌ها بخش قابل توجهی از فکرشان را صرف آن چیزی می‌کنند که بزرگسالان پیرامونشان بر زبان می‌آورند و درکشان از خودشان و جهان را نیز همین‌گونه گسترش می‌دهند. اگر کودکی با القاب تحقیرآمیز خطاب یا تحقیر شود، چنین واژه‌هایی بی‌درنگ حسی از خویشتن را به شیوه‌ای ناکارآمد<sup>۱</sup> برای او شکل می‌دهد. خطاب کردن با القاب صرفاً در زمین بازی و بین بچه‌ها اتفاق نمی‌افتد. این شگردی است که برای تحقیر یا خوار و خفیف کردن دیگران مورد استفاده قرار می‌گیرد. زمانی که بزرگسالی کودکی را با لقبی ناخوشایند یا عاری از مهربانی خطاب می‌کند، برچسبی را به پیشانی او می‌چسباند، چه چنین قصدی داشته باشد، چه خیر. این برچسب می‌تواند به ذهن هرکسی که آن اطراف است و لقب را می‌شنود الصاق شود، اما از آن مهم‌تر چسبیدن آن به ذهن خود کودک است، یعنی کسی که با دلیل تراشی در مورد اینکه حتماً لایق این برچسب منفی است، این حمله لفظی را درونی خواهد کرد.

درحالی‌که ممکن است ردوبدل شدن ناسزا میان دو فرد بالغ را به عنوان بخشی از گفت‌وگویی عادی یا پذیرفتنی درک کنیم، وقتی پای کودکان در میان باشد، این نوع حرف زدن خصمانه است. بچه‌ها در خلأ رشد نکرده‌اند، بلکه با تأثیراتی اجتماعی احاطه شده‌اند که اغلب ناسزا را به عنوان شیوه‌ای نامطلوب و خصمانه در برقراری ارتباط وصف می‌کند. اگر با کودک یا درباره‌ی کودک با ناسزاگویی صحبت شود او خصومت را احساس خواهد کرد. تحقیر یا توهین شگردهایی هستند که به‌کارگیری آن‌ها در مواجهه با هر انسانی مخرب است، چه برسد به کودکی آسیب‌پذیر. تلاش عامدانه برای ایجاد احساس بد در کودک به خاطر کاری که انجام داده است یا به خاطر جنبه‌ای از شخصیتش پیامدهای دیرپایی خواهد داشت.

شیوه پنهان‌تر یا کمترشناخته‌شده آزار کلامی کنایه زدن است. جامعه نسبت به این‌گونه حرف زدن پذیرشی پدید آورده و اغلب آن را «شوخی» می‌خواند. حقیقت دارد که کنایه می‌تواند طنزآمیز باشد، اما طنزآمیز بودن آن زمان و مکان دارد و هرگز نباید به قیمت